

## مقاله پژوهشی

# بررسی تطبیقی فعالیت زنان روستایی در نواحی جلگه‌ای و کوهپایه‌ای مطالعه موردی: دهستان‌های هتکه سوادکوه و بیشه‌سر قائمشهر

فاطمه اسدی پایین لموکی<sup>۱</sup>، بهمن صحنه<sup>۲\*</sup>، علی‌اکبر نجفی‌کانی<sup>۳</sup> و علیرضا خواجه شاهکوهی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۸ مهر ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۶ خرداد ۱۴۰۰

## چکیده

یکی از مهم‌ترین معیارها برای سنجش درجه توسعه‌یافتگی یک کشور، میزان فعالیت زنان در کشور می‌باشد. با توجه به نقش بسیار عمده این گروه در فعالیتهای کشاورزی، تمرکز و توجه ویژه به این قشر عظیم می‌تواند به رفع موانع و مشکلات آنان کمک کرده و در نهایت منجر به افزایش و بهبود بهره‌وری در امر کشاورزی و در نتیجه افزایش رفاه و آسایش جامعه روستایی گردد. این تحقیق به بررسی تطبیقی فعالیت زنان روستایی در نواحی جلگه‌ای و کوهپایه‌ای در دهستان‌های هتکه سوادکوه و بیشه‌سر قائمشهر می‌پردازد. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و از نوع کاربردی بوده و بر اساس فرمول کوکران تعداد ۳۳۱ پرسشنامه محقق ساخته از خانوارهای روستایی تکمیل و با استفاده از آزمون‌های آماری T مستقل و مان‌وایتنی مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج بیانگر آن است که در زمینه شغل‌های آرایشگری، کارمندی، کارگری و ماندگاری در روستا، لطامات ناگهانی فصلی، جلسات مربوط به مدرسه و شرکت در انتخابات روستا تفاوت‌ها کاملاً معنادار شده است. تفاوت در درآمد و سطح زیرکشت و میزان تولید برنج کاملاً معنادار اما در درآمد و سطح زیرکشت و میزان تولید مرکبات و سبزیجات فاقد معناداری است. در زمینه فعالیت‌های دامی نیز بین درآمد از فروش شیر و دام تفاوت معنادار گردیده است. لذا ارتقا سطح آموزش و آگاهی، ایجاد و تقویت تشکل زنان روستایی به ویژه در قالب تعاونی‌ها و انجمن‌های زنان برای بهره‌برداری بهتر و ارتقا منزلت زنان توصیه می‌گردد.

**کلمات کلیدی:** زنان روستایی، معیشت پایدار، جلگه و کوهپایه، هتکه سوادکوه و بیشه‌سر قائمشهر.

۱- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه گلستان

۲- گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

۳- گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

۴- گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران

\*-نویسنده مسئول: پست الکترونیکی: b.sahneh@gu.ac.ir

## مقدمه

امروزه محدودیت شدید منابع جهان و رشد فزاینده جمعیت مصرف‌کننده، بهره‌وری و افزایش کارایی در تمامی زمینه‌های زندگی بشر، به بحثی جدی تبدیل گردیده و کوشش بسیاری از افراد متخصص و سازمان‌ها معطوف به یافتن راهکارهای دستیابی به آن شده است. وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است و اگر انجام خدمات و تولیدات خانگی را نیز از کارهای مولد در نظر گرفت، به نتایج متفاوتی از نظر ایفای کار زنان رسید. تصور متعارف در مورد نقش زنان در جامعه روستایی، عمدتاً نقش خانه‌داری و تولید مثل می‌باشد، در حالی که زنان در زندگی روستایی اگر نقشی مهم‌تر از مردان نداشته باشند، کمتر از آنان هم نیستند. جامعه روستایی ایستا نیست و دائم در حال تغییر و تحول می‌باشد و این تحول بر نقش زنان اثر می‌گذارد (لهسایی‌زاده، ۱۳۷۴). از طرفی زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور، نقش تعیین‌کننده‌ای در کارهای تولیدی و مشاغل اجتماعی دارند، به طوری که این قشر در کنار مسئولیت‌ها و فعالیت‌هایی که در خانواده به عنوان مادر و همسر بر عهده دارند، در فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی نیز نقشی مهم ایفا می‌کنند. در این میان، سهم زنان روستایی در فعالیت‌های تولیدی و مراحل مختلف کشاورزی اعم از کاشت، داشت و برداشت، دامداری، باغداری و غیره بسیار تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، فقدان آن‌ها در این عرصه‌ها نه تنها خانواده را در عرصه وظایفی که به عنوان مادر و همسر بر عهده دارند، دچار مشکل می‌سازد، بلکه به عنوان نیروی کارآمد و بسیار مؤثر، از نقطه نظر اقتصادی، جامعه روستایی را نیز دچار بحران جدی می‌کند (وثوقی، ۱۳۸۴). به این صورت زنان با زندگی در جوامع روستایی، تجربه‌های متفاوتی را می‌چشند و چون عهده‌دار برخی فعالیت‌های اقتصادی با کسب درآمد ملموس نمی‌شود لذا

موقعیت اجتماعی و اقتصادی مطلوبی پیدا نمی‌کنند.

از طرفی روابط خانوادگی، تحت تأثیر پویایی نهادهای اجتماعی با تحول دائم روبه‌روست. با تحول شرایط زیستی و به تبع آن، بروز نیازهای جدید، نقش‌ها پیوسته در حال تغییرند، به طوری که از اعتبار نقش‌های سنتی روزه‌روز بیشتر کاسته شده و موجبات دگرگونی آنها فراهم می‌شوند. از طرفی دگرگون‌سازی نظام کنونی به سود نظامی پایدار که تغییر گسترده اقتصادی، زیستی و اجتماعی را در دستور کار داشته باشد، تنها در سایه مشارکت همه مردم جامعه انجام شدنی است. از این رو هرگز نمی‌توان نیمی از جمعیت کشور، یعنی توانمندی‌های بی پایان زنان را نادیده انگاشت. در ایران بسته به کارکرد زنان در توسعه دو گروه صاحب نظر وجود دارد. گروهی بر این باورند که زنان از راه کارکرد واسطه‌ای و پنهان با فراهم آوردن زمینه‌ای دلپذیر برای اعضای خانواده، نقش برجسته‌ای در پیشرفت جامعه دارند؛ ولی گروه دیگر بیشتر به نقش مستقیم زنان در جامعه نگریسته و با کمک آمار، پافشاری می‌کنند که سهم زنان در کارکردهای اجتماعی ناچیز بوده و باید دگرگون گردد. این گروه با آگاهی از این جستار که زنان نیمی از جمعیت هستند، بر این باورند که بهره‌نگرفتن از نیروی کار آنان، زمینه آن می‌گردد که پیشرفت جامعه کند گردد. بنابراین باید زمینه‌ای را فراهم آورد تا زنان بتوانند هر چه بیشتر به انجام نقش‌های اجتماعی خود بپردازند (میرک‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹). با وجود تلاش زیاد در جوامع روستایی، نقش این گروه بیشتر اوقات در کارکردهای تولیدی و اقتصادی نادیده گرفته می‌شود. امروزه در اهداف توسعه روستایی، از میان گروه‌های ویژه روستایی، زنان و جوانان به سبب ویژگی‌هایی که دارند در کانون توجه هستند (غنیان و همکاران، ۱۳۸۷). با پدیدار شدن چالش توسعه پایدار، انسان مشارکت‌جو کانون فرآیند توسعه به شمار آمده و توسعه درون‌زا در دستور کار قرار گرفته است. در چنین توسعه‌هایی، مشارکت

متغیری بنیادی است و درون‌زایی و دادگرانه بودن زنان را به مشارکت فرا می‌خواند (صفری‌شال، ۱۳۸۷). بیشتر پژوهشگران توسعه بر این باورند که شناخت جایگاه فعالیت زنان در روستاها از ضروریات رسیدن به توسعه روستایی دلخواه در جوامع به شمار می‌آید. شناخت رو به رشدی از توانمندسازی زنان وجود دارد که برای درک حقوق زنان و کسب اهداف توسعه‌ای گسترده‌تر مانند رشد، کاهش فقر، سلامت، آموزش و رفاه ضروری است (زارعان و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به افزایش جمعیت در نواحی روستایی محدوده مورد مطالعه و کمبود فعالیت‌های اشتغال‌زا و محدودیت اراضی زراعی لزوم توجه به فعالیت‌های غیرزراعی در کنار فعالیت‌های زراعی را لازم می‌نماید و با توجه به اینکه نیمی از جمعیت را زنان تشکیل می‌دهد و لزوم توجه به توانمندی این قشر لازم است فعالیت آنان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. با عنایت به مطالب ارائه شده، این پژوهش به بررسی فعالیت زنان در روستاهای دهستان بیشه‌سر قائمشهر و هتکه شیرگاه می‌پردازد. لذا سوال‌هایی در این راستا مطرح شده که عبارتند از:

آیا بین شاخص‌های اجتماعی با نوع فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای کوهپایه‌ای و جلگه‌ای رابطه وجود دارد؟ آیا میان نوع فعالیت اقتصادی حاصل از کشاورزی در روستاهای نواحی کوهپایه‌ای و جلگه‌ای تفاوت وجود دارد؟ آیا بین نوع فعالیت اقتصادی و سهم زنان در اقتصاد خانوارها در روستاهای نواحی کوهپایه‌ای و جلگه‌ای تفاوت وجود دارد؟

#### مبانی نظری

دخالت دادن و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر سرنوشت‌شان تأثیر می‌گذارد (علی‌بیگی و بنی‌عامریان، ۱۳۸۸). مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها متغیری کلیدی است که مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران قرار گرفته و یکی از اساسی‌ترین حقوق زنان تلقی می‌گردد. قدرت و نقش اقتصادی اجتماعی زنان خارج از خانه

ناشی از سهم مثبت آنان در مشارکت است. توسعه پایدار نیازمند مشارکت هر چه بیشتر در همه ابعاد توسعه انسانی است، لذا تأکید بر نقش عاملیت و نمایندگی زنان و حضور در مدیریت جامعه موجب گسترش مشارکت آنها خواهد شد و ایجاد تغییرات اجتماعی همه‌جانبه در دستیابی به توسعه پایدار مستلزم حضور زنان در سطوح مختلف جامعه است (چمبرز، ۱۳۷۸). زنان روستایی ایفاگر نقش حیاتی در نظام خانه و مزرعه هستند و مشارکت زنان در پس‌انداز و افزایش درآمد خانوار مؤثر می‌باشد (ساتیاباما<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). از این رو بسیاری از پژوهشگران و اقتصاددانان به طور گسترده سرمایه‌گذاری در زنان و توانمندسازی آنان را به عنوان کلید توسعه معرفی می‌کنند (دوفلو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ موندال<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ هیسسا و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹). بر اساس مطالعات انجام شده، زنان روستایی قسمت زیادی از کارهای کشاورزی را به عهده دارند و در مورد منابع طبیعی می‌توان کارکرد زنان را از طریق نقشی که آنها در مسئله آب و خاک دارند بررسی کرد (آصفی‌راد، ۱۳۷۸). زنان روستایی بر اساس توان خود در بسیاری از امور تولیدی اعم از زراعی، دامی، تولید فرآورده‌های کشاورزی و صنایع دستی فعالیت دارند که هر چند تولیدات آن در برخی موارد جنبه خود مصرفی داشته اما اغلب برای کسب درآمد و عرضه به بازارهای ملی و بین‌المللی انجام می‌گیرد (شعبانعلی‌فمی و همکاران، ۱۳۸۴). امروزه توانمندسازی زنان به بخش مهمی از گفتمان توسعه تبدیل شده (برادشو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳) و اکثر کشورها برای دستیابی به توسعه پایدار توانمندسازی را به عنوان یکی از کارآمدترین روش‌ها دانسته و سرمایه‌گذاری بر زنان را کلید توسعه می‌دانند (استیفن<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴). اگر توانمندسازی زنان به درستی اجرا گردد موجبات توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را فراهم

1- Sathiabama  
2- Duflo  
3- Mondal  
4- Hissa  
5- Bradshaw  
6- Steffen

می‌کند (بایه<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶). دیدگاه‌های موجود در تئوری‌های مربوط به زن و توسعه عبارتند از:

نظریه رفاه: تأکید بیشتر بر روی نقش زن به عنوان تولید کننده و به عرصه رساندن نیروی کار نهاده شده است و تأکید بیشتر بر روی نقش بچه‌زایی و خانه‌داری زنان است. اجرای این نظریه از طریق پرداخت نقدی کالاها و خدمات مجانی از بالا به پایین است و زنان شرکتی فعالانه در فرایند توسعه ندارند و تنها گیرنده این کمک می‌باشند (امینی و احمدی، ۱۳۸۶).

نظریه برابری: برابری جنسیتی به معنای حقوق برابر زنان و مردان در استفاده از امکانات و فرصت‌هاست برابری جنسیتی را پاداش‌ها و فرصت‌های برابر بین زنان و مردان و حقوق برابر زنان و مردان در استفاده از نعمت‌های مادی و معنوی موجود در جامعه مطابق با کار انجام شده تعریف کرده‌اند.

نظریه فقرزدایی: بر این فرض استوار است که فقر زن و عدم تساوی با مرد در نتیجه عدم دستیابی به مالکیت زمین، سرمایه و وجود تبعیض در بازار کار می‌باشد. در نتیجه از اهداف این نظریه افزایش سطح اشتغال و درآمد برای زنان کم درآمد از طریق ایجاد دستیابی بهینه به منابع تولید می‌باشد، اما منابعی که توسط دولت‌ها به این امر اختصاص داده می‌شود اصولاً در دست سرپرست خانوار قرار می‌گیرد.

نظریه کارایی: تأکید بیشتر بر افزایش مشارکت زنان در امور اقتصادی می‌باشد. نظریه کارایی بر روی تغییر پذیر بودن کار زنان هم در نقش خانه‌داری و پرورش نیروی کار و هم در فعالیت‌های زنان در اجتماع حساب می‌کند.

نظریه تواناسازی: افزایش مهارت‌ها و قابلیت‌های فکری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان در افزایش مشارکت بیشتر آنها در جامعه می‌باشد.

تیودوزیا<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) بیان می‌کند زنان با کار در مزرعه، اقتصاد خانواده خود را از خطر نجات می‌دهند و باعث ایجاد تعادل بین نیاز و درآمد خانواده می‌شوند. لیما ویدال<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) بیان می‌کند در کشورهای در حال توسعه زنان در فعالیت‌های کشاورزی مشارکت زیادی دارند که با مشقت‌های فراوانی رو به رو هستند، از جمله ارتباط با محیطی خشک و محروم و انجام دادن کارهای سخت و طاقت فرسا که توانایی مردانه‌ای را می‌طلبد. اختر و چنگ<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) بیان می‌کنند اعتبارات خرد ابزار مؤثری برای کاهش فقر شناخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که اثرات اعتبارات خرد برای افزایش مشارکت در روند تصمیم‌گیری، در آگاهی حقوقی، تحرک و همچنین ارتقا سطح زندگی و برای تشویق پایدار توانمندسازی زنان هزینه می‌گردد. جابین و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۰) بیان می‌کنند در پاکستان، مانند سایر کشورهای در حال توسعه، زنان روستایی کمک‌های زیادی به این کشور می‌کنند. این مطالعه با هدف ارزیابی تأثیر فعالیت‌های اقتصادی سنتی زنان که به طور مستقیم از طریق اقتصاد خانگی آنها تکمیل می‌شود، با توجه به فرهنگ سختگیرانه، حدود ۷۱ درصد از فعالیت‌های اقتصادی زنان در داخل خانه مانند دوختن، گلدوزی، سبد و شمع‌سازی، تهیه ترشی، مربا و کدو، محصولات لبنی؛ زنبورداری؛ دام؛ مرغ و برخی از فعالیت‌های خارج از مزرعه مربوط به کشاورزی. به دلیل هنجارهای قوی مردسالاری، مردان تصمیم‌گیری‌های اساسی در خانواده انجام می‌دهند. همه زنان از تأثیرات مثبت استقلال اقتصادی آگاه بودند. مطالعه نتیجه می‌گیرد که بسیاری از عوامل جمعیتی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و اقتصادی بر توانایی تولید زنان تأثیر منفی می‌گذارد. نادری و وحدت‌مؤدب (۱۳۹۷) بیان می‌کنند تأمین مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی از

اجتماعی - اقتصادی‌شان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از طرف دیگر، رابطه معناداری بین نوع فعالیت‌های زنان روستایی و سن آن‌ها با میزان بهره‌مندی آن‌ها از حقوق اقتصادی - اجتماعی وجود ندارد. عنابستانی و احمدزاده (۱۳۹۲) بیان می‌کنند آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که ارتباط معناداری بین جمعیت، فاصله روستا از مرکز دهستان و عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی وجود دارد. میرکزاده و همکاران (۱۳۸۹) بیان می‌کنند بین دیدگاه زنان روستایی بر حسب سواد و سن نسبت به سازه‌های مؤثر، در بعضی موارد اختلاف معنی‌داری به چشم می‌خورد.

### مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن توصیفی - تحلیلی بوده و جهت گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی (تکمیل پرسشنامه) استفاده گردید. جامعه آماری شامل ۱۲ سکونتگاه روستایی دهستان هتکه سوادکوه و بیشه‌سر قائم‌شهر با تعداد ۲۳۴۷ خانوار انتخاب شد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران و تعداد ۳۳۱ پرسشنامه تکمیل گردید. به منظور بررسی سوال‌های تحقیق از تعدادی متغیر در قالب طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد، خیلی زیاد) بهره گرفته شد. روایی محتوایی پرسشنامه‌ها بر اساس تایید متخصصان و اساتید حوزه جغرافیای روستایی و پایایی پرسشنامه‌ها با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و عدد ۸۱ درصد به دست آمد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون‌های آماری T مستقل و برای مقایسه دو ناحیه کوهپایه‌ای و جلگه‌ای از آزمون مان وایتنی در محیط نرم‌افزاری SPSS تجزیه و تحلیل شدند و برای تولید نقشه از نرم‌افزار ArcGis بهره گرفته شد. جدول ۱ روستاهای مورد مطالعه و جدول ۲ متغیرهای تحقیق را ارائه می‌دهد.

مولفه‌های تأثیرگذار بر توانمندسازی زنان به شمار می‌روند که از طریق پیوندهای گوناگون اعضای شبکه و تنوع طیف وسیعی از حمایت‌های متنوع برای افراد فراهم می‌گردد. امینی و طاهری (۱۳۹۵) بیان می‌کنند زنان روستایی با وجود ایفای نقش اساسی در اقتصاد خانوارهای خود همواره در جایگاهی فرودست‌تر از مردان قرار دارند. میزان و نحوه فعالیت‌های اقتصادی زنان روستایی در ارتباط تنگاتنگ با شرایط محیط جغرافیایی آنان است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها بیانگر سهم و نقش ناچیز زنان در انجام و توسعه فعالیت‌های اقتصادی است، گرچه این وضعیت در رابطه با انواع مختلف فعالیت‌های اقتصادی، متفاوت است. از میان عوامل تأثیرگذار، دو متغیر عوامل محیطی و وضعیت درآمدی خانوار، تأثیر معنی‌دار و مثبتی بر سطح فعالیت‌های اقتصادی زنان داشته‌اند و این تأثیر در رابطه با دیگر متغیرهای مستقل مربوط به عوامل فرهنگی، عوامل نهادی و سیاست‌های حمایتی، آموزش و انگیزه‌ها و عوامل فردی، فاقد معنی‌داری آماری بوده است؛ به عبارت دیگر هیچ‌گونه بستر نهادی و سازمانی برای نظم بخشی، حمایت، هدایت و به فعلیت رساندن پتانسیل ارزشمند اقتصادی و شغلی نیمی از ساختار جمعیتی منطقه وجود ندارد و در بهره‌برداری ناچیزی هم که تاکنون از این فرصت و قابلیت بالقوه صورت گرفته است، ساختارهای محیطی و بسترهای فراهم اقتصادی در درون خانوارها نقش داشته است. وفایی و ترکرانی (۱۳۹۳) بیان می‌کنند در پی بررسی رابطه بین نوع و میزان فعالیت‌های زنان روستایی و بهره‌مندی آن‌ها از حقوق اقتصادی - اجتماعی بود. یافته‌های پژوهش حاکی از مشارکت قابل توجه زنان روستایی در امور زراعت و باغداری، دامپروری و صنایع دستی است. همچنین، بین میزان فعالیت زنان کشاورز روستایی و میزان بهره‌مندی از حقوق اجتماعی - اقتصادی‌شان رابطه منفی معناداری وجود دارد. بین تحصیلات و پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان کشاورز روستایی با میزان بهره‌مندی از حقوق

جدول ۱. روستاهای مورد مطالعه

روستا	خانوار	پرسشنامه	روستا	خانوار	پرسشنامه
پایین لموک	۱۷۸	۲۵	ایوک	۳۴۷	۴۸
بالا افراکتی	۲۷۹	۳۹	بروخیل	۲۶۴	۳۶
افراتخت	۲۵۸	۳۷	فرامرز کلا	۲۰۲	۲۹
پایین افراکتی	۲۰۷	۳۰	کئی لته	۱۵۷	۲۲
مهدی آباد	۱۵۰	۲۱	حاجی کلا	۹۵	۱۴
پاشاکلا	۱۱۹	۱۷	منگل	۹۱	۱۳

جدول ۲. متغیرهای تحقیق

#### متغیر

نوع فعالیت زنان در بخش کشاورزی، نوع فعالیت زنان در بخش خدمات، میزان فعالیت زنان در بخش کشاورزی، میزان فعالیت زنان در بخش خدمات، میزان رضایت شغلی، میزان امنیت شغلی، میزان تحصیلات، میزان انگیزه ماندگاری در روستا، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا، مشکلات اساسی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، میزان درآمد سالانه حاصل از بخش‌های مختلف کشاورزی، سطح زیر کشت، میزان تولید و درآمد سالانه حاصل از محصولات زراعی و باغی، میزان درآمد سالانه حاصل از انواع دام، میزان درآمد سالانه حاصل از فروش دام و محصولات دامی، میزان درآمد سالانه زنان حاصل از بخش باغداری، میزان درآمد سالانه زنان در زمینه خدمات

#### محدوده مورد مطالعه

شهرستان قائمشهر و سوادکوه مازندران در شمال ایران، در ناحیه البرز مرکزی قرار گرفته‌اند بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، دارای ۳۵۳۱۱۲ نفر جمعیت است. قائمشهر قطب صنعت و صادرات در مازندران و از شهرهای مهم ترابری، کشاورزی، گردشگری، معدنی و صنعتی ایران می‌باشد این شهر به دلیل قرار گرفتن در مسیر جاده فیروزکوه دارای اهمیت ارتباطی است. شهر قائمشهر به دلیل قرار گرفتن میان کوه و دریا، آب و هوای معتدل و مرطوب دارد و میزان بارش زیاد باران و رطوبت بالا و قسمت‌های جنوبی شهرستان به دلیل دارا بودن پوشش کوهپایه‌ای و ارتفاع زیاد آب و هوای سردتر و کوهستانی و زمستان‌های بارانی و برفی دارد. منطقه سوادکوه در یک دره وسیع طولانی و در دامنه‌های شمالی رشته کوه‌های البرز مرکزی واقع شده است. حوزه کلی این ناحیه از منتهی‌الیه جلگه‌های جنوبی دریای خزر آغاز شده و با شیب بسیار تند به سوی جنوب کشیده می‌شود. پوشش ارتفاعات تا بلندی ۲۰۰۰ متری سرسبز و جنگلی و از آن به بعد مرتعی، خشک با آب و

هوای سردسیری می‌باشد. جهت شرقی و غربی این ارتفاعات به موازات سواحل دریای خزر مانع و سد بزرگ برای تبادل جریان‌های جوی بین این دریا و فلات مرکزی ایران بوده و جریان‌های غربی به همراه ابرهای باران‌آور که از غرب اروپا به ایران می‌رسند در کنار دیواره‌های ستبر و غول پیکر این کوهستان محبوس شده و باعث ریزش برف و باران فراوان و سودمند می‌شوند.

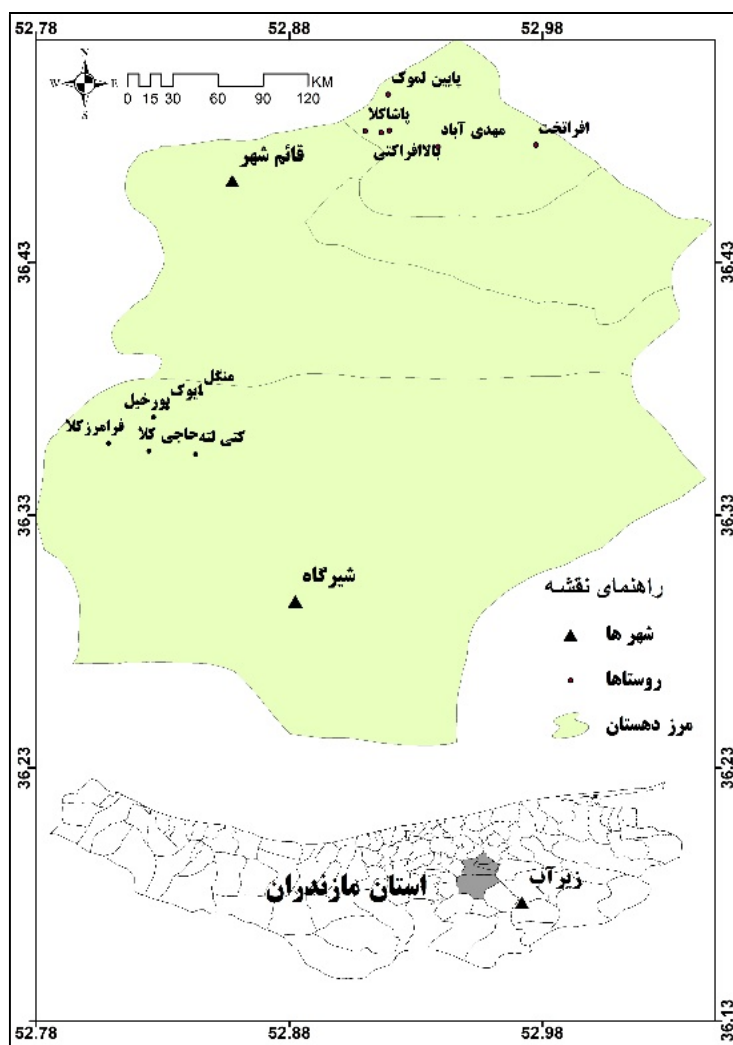
#### نتایج

بررسی وضعیت تاهل پاسخگویان ۲۵ نفر مجرد و ۳۰۶ نفر متأهل، ۷۹ درصد بالاتر از ۲۵ سال سن، در حدود ۳۵ درصد بیسواد، ۹۰ درصد در منزل شخصی و تمامی پاسخگویان را زنان تشکیل می‌دهند.

در راستای بررسی سوال اول تحقیق مبنی بر اینکه آیا بین شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی با نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای کوهپایه‌ای و جلگه‌ای رابطه وجود دارد؟ در این زمینه از متغیرهای نوع و میزان فعالیت زنان در

جدول ۳، از آزمون T مستقل بر اساس میزان فعالیت افراد در زمینه آرایشگری، کارمندی و کارگری تفاوت معناداری تا سطح ۹۵ درصد بین دو ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای وجود دارد.

بخش‌های کشاورزی و خدمات، رضایت شغلی، امنیت شغلی، سطح تحصیلات، انگیزه ماندگاری در روستا، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا و مشکلات اساسی در زمینه اشتغال و زندگی استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از



شکل ۱. محدوده مورد مطالعه

به زنان شاغل در فعالیتهای زراعی نواحی کوهپایه‌ای تفاوت‌ها معنادار شده است. دلیل توجه به فعالیت‌های غیرزراعی برای زنان ناحیه کوهپایه را می‌توان در نیاز و انگیزه اقتصادی نیز مدنظر قرار داد و این نیاز در بین زنان تحصیل کرده ناحیه

نتایج بیانگر آن است به خاطر محدودیت اشتغال در بخش زراعت در نواحی کوهپایه‌ای بیشتر زنان سعی نموده‌اند به فعالیت‌های غیرزراعی توجه بیشتری داشته باشند لذا با توجه به سطح درآمد بیشتر زنان شاغل در فعالیتهای غیرزراعی نسبت

کوهپایه‌ای گردیده است. اما میزان فعالیت زنان در بخش‌های مختلف کشاورزی در دو ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای در بخش زراعت و باغداری تفاوت معناداری دیده نشده است. می‌توان بیان نمود حق‌الزحمه فعالیت در این دو ناحیه کوهپایه‌ای و جلگه‌ای در بخش زراعت و باغداری نیز برای زنان روستایی تقریباً یکسان می‌باشد.

کوهپایه‌ای به مراتب بیشتر احساس شده و به این شغل‌ها روی آورده‌اند. از طرفی با توجه به افزایش ویلانثینی و تغییر کاربری اراضی در نواحی کوهپایه‌ای نیز، در این تمایل بسیار مؤثر بوده است. همچنین بعد مسافت روستاهای کوهپایه‌ای نسبت به مراکز شهری و هزینه رفت و آمد برای ساکنان باعث شده است که زنان ناحیه کوهپایه‌ای از این نوع شغل‌ها بیشتر استقبال نمایند و این استقبال خود باعث پایداری این شغل‌ها در نواحی

جدول ۳. نتایج کلی مقایسه میزان مشارکت زنان در بخش‌های مختلف در نواحی جلگه‌ای و کوهپایه‌ای با استفاده از آزمون T مستقل

متغیر	نوع فعالیت	ناحیه	N	مقدار T	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین	سطح معناداری	تایید رد
نوع و میزان فعالیت‌های زنان در نواحی کوهپایه‌ای و جلگه‌ای	آرایشگری	جلگه‌ای	۲	۱/۵۴۹	۰/۴۳۰۳۳	۳	۶	۰/۰۵*	*
		کوهپایه‌ای	۳	۲/۰۰۰	۰/۳۳۳۳۳	۲	۵/۳۳		
	کارمند	جلگه‌ای	۳	-۳/۰۰۰	۰/۲۶۶۶۷	۶	۵	۰/۰۴۲*	*
		کوهپایه‌ای	۵	-۴/۰۰۰	۰/۲۰۰۰۰	۴	۵/۸۰		
	کارگر	جلگه‌ای	۳	-۰/۲۹۳	۰/۵۶۹۲۸	۳	۶/۳۳	۰/۰۳*	*
		کوهپایه‌ای	۲	-۰/۲۷۷	۰/۶۰۰۹۳	۱/۸۹۹	۶/۵۰		
زراعت	جلگه‌ای	۳۵	-۰/۱۰۶	۰/۲۲۷۵۸	۶۶	-۰/۲۴۲۴	۰/۵۶۸ ns	*	
	کوهپایه‌ای	۳۳	-۰/۱۰۷	۰/۲۲۵۷۴	۶۵/۴۹۱	-۰/۲۴۲۴			
باغداری	جلگه‌ای	۱۲	۰/۰۰۰	۰/۲۶۳۵۲	۱۴	۰/۰۰۰	۰/۵۸۲ ns	*	
	کوهپایه‌ای	۴	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶۹۴	۴/۱۵۳	۰/۰۰۰			

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸. \* معناداری در سطح ۹۵ درصد، ns عدم معناداری

به بررسی انجام شده در زمینه انگیزه ماندگاری در روستاهای جلگه‌ای و کوهپایه‌ای با استفاده از آزمون مان‌وایتنی تا سطح ۹۹ درصد تفاوت معنادار بین دو ناحیه وجود دارد و ساکنان نواحی کوهپایه بیشتر تمایل به ماندگاری دارند. در زمینه فصلی بودن شغل و لطمات ناگهانی اقلیمی تفاوت معناداری بین ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تا سطح ۹۵ درصد وجود دارد زیرا در نواحی کوهپایه‌ای نسبت به نواحی جلگه‌ای امکان آسیب‌پذیری به مراتب بالاست و اینکه از بین رفتن زحمات در امر کشاورزی به سبب سیلاب و غیره بسیار جدی‌تر است. در بحث فوت ناگهانی همسر، ساعات زیاد کار، مشکلات خانوادگی و ضعف جسمانی تفاوت معناداری بین منطقه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای

نتایج حاصل از جدول ۴ آزمون مان‌وایتنی نشان می‌دهد در مقایسه میزان تحصیلات در دو ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به آزمون مان‌وایتنی در بخش رضایت شغلی و امنیت شغلی با وجود بیشتر بودن امنیت و رضایت شغلی در ناحیه جلگه‌ای نسبت به کوهپایه‌ای، تفاوت معناداری بین دو ناحیه مورد مطالعه وجود ندارد و این عدم تفاوت بین دو ناحیه می‌تواند به دلیل اشتغال به کارهایی که اکثراً فصلی هستند و درآمد قابل قبولی هم از شغل‌های مورد نظر ندارند. میانگین رضایت شغلی در ناحیه جلگه‌ای ۴۴/۳۲ و در ناحیه کوهپایه‌ای ۴۱/۷۱ و در بخش امنیت شغلی در ناحیه جلگه‌ای ۴۴/۸۸ و در ناحیه کوهپایه‌ای ۴۰/۱۲ می‌باشد. با توجه



فرزندان خود احساس مسئولیت بیشتری دارند ولی در بخش جلگه‌ای میزان مشارکت در انتخابات به مراتب بیشتر است. در زمینه نحوه برگزاری مراسم اعیاد و عزاداری‌ها و ساخت مسجد و حسینیه تفاوت معناداری بین دو ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای مشاهده نگردید.

وجود نداشته است. در زمینه مشارکت در جلسات مربوط به مدرسه و شرکت در انتخابات روستا تفاوت معنادار تا سطح ۹۵ درصد بین ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای وجود دارد زیرا در نواحی کوهپایه‌ای به علت دوری مسیر به شهر، فرزندان در مدارس خود روستا به تحصیل اشتغال دارند لذا میزان مشارکت زنان در امور مربوط به آموزش بسیار بیشتر است و به نوعی برای آینده

جدول ۴. بررسی و مقایسه متغیرها در ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای با استفاده از آزمون مان‌وایتنی

متغیر	ناحیه	میانگین	مان وایتنی	ویلکاکسون	Z	سطح معناداری
میزان تحصیلات	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۱۴۸/۵۳ ۱۴۰/۳۵	۹۷۷۷	۱۹۹۳۰	-۰/۹۰۸	۰/۳۶۴ ns
رضایت شغلی	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۴۴/۳۲ ۴۱/۷۱	۸۳۲	۱۷۳۵	-۰/۴۷۳	۰/۶۳۶ ns
امنیت شغلی	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۴۴/۸۸ ۴۰/۱۲	۷۴۷	۱۶۰۸	-۱/۱۰۴	-۰/۲۶۹ ns
انگیزه ماندگاری	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۱۳۱/۳۵ ۱۵۶/۹۲	۸۴۶۰/۵۰۰	۱۹۰۴۵/۵۰۰	-۲/۷۰۸	۰/۰۰۷*
فصلی بودن شغل	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۲۹/۸۹ ۳۹/۶۹	۴۱۰/۰۰۰	۱۰۷۶/۰۰۰	-۲/۲۳۵	۰/۰۲۵*
فوت ناگهانی سرپرست خانواده	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۳/۸۰ ۲	۱/۰۰۰	۲/۰۰۰	-۱/۰۰۰	۰/۳۱۷ ns
ساعات زیاد کار	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۱۹/۹۵ ۲۳/۰۵	۱۸۸/۰۰۰	۴۱۹/۰۰۰	-۰/۹۱۴	۰/۳۶۰ ns
مشکلات خانوادگی	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۴/۶۰ ۴/۳۳	۷/۰۰۰	۱۳/۰۰۰	-۰/۱۷۶	۰/۸۶۰ ns
لطمات ناگهانی اقلیمی	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۲۹/۶۵ ۳۸/۴۸	۴۱۳/۰۰۰	۱۰۰۸/۰۰۰	-۱/۹۸۴	۰/۰۴۷*
ضعف جسمانی	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۲۰/۳۳ ۲۲/۶۷	۱۹۶/۰۰۰	۴۲۷/۰۰۰	-۰/۶۹۱	۰/۴۹۰ ns
جلسات مربوط به مدرسه	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۱۳۵/۴۳ ۱۵۰/۹۵	۹۰۴۱/۵۰۰	۱۹۷۷۲/۵۰۰	-۱/۹۷۸	۰/۰۴۸*
نحوه برگزاری مراسم اعیاد و عزاداری	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۱۴۷/۴۰ ۱۴۰/۵۲	۴۲/۰۰۰	۷۰/۰۰۰	-۰/۵۵۴	۰/۵۷۹ ns
ساخت مسجد و حسینیه	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۱۴۷/۸۳ ۱۴۱/۰۷	۲۹/۵۰۰	۱۲۰/۵۰۰	-۰/۳۱۹	۰/۷۵۰ ns
شرکت در انتخابات روستا	جلگه‌ای کوهپایه‌ای	۱۴۹ ۱۲۸/۷۸	۸۱۸۹/۵۰۰	۷۶۴۲/۵۰۰	-۲/۲۲۸	۰/۰۲۶*

منبع: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸. \* معناداری در سطح ۹۵ درصد، ns عدم معناداری

فعالیت اقتصادی حاصل از کشاورزی در نواحی کوهپایه‌ای و

برای بررسی سوال دوم تحقیق مبنی بر اینکه آیا بین نوع

اطمینان ۹۵ درصد معنادار شده است و اراضی شیب‌دار نواحی کوهپایه‌ای به نسبت بیشتر از زراعت قابلیت بهره‌برداری را دارد و می‌توان در اراضی شیب‌دار در زمینه باغداری بهره‌برداری بیشتری را داشت. همچنین در بخش دامداری نیز می‌توان بیان نمود تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنادار است و می‌توان اذعان داشت دامداری محدودیت خاصی در نواحی کوهپایه‌ای ندارد و توان بهره‌برداری در اراضی شیب‌دار و مراتع وجود دارد.

جلگه‌ای تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۵ مقایسه درآمد زراعت در بین دو گروه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای نشان می‌دهد تفاوت معنادار و در سطح اطمینان ۹۹ درصد می‌باشد. این نتیجه بیانگر آن است که در ناحیه کوهپایه‌ای محدودیت اراضی و به تبع آن سطح اشتغال کم باعث چنین امری می‌گردد اما در ناحیه جلگه‌ای گستردگی اراضی زراعی توانسته درآمد را به طور قابل ملاحظه‌ای معنادار نماید. اما در بخش باغداری تفاوت در سطح

جدول ۵. بررسی و مقایسه درآمد کشاورزی خانوارهای نمونه با استفاده از آزمون T مستقل

مقدار درآمد	ناحیه	N	مقدار T	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین	معناداری	تایید رد
زراعت	جلگه‌ای	۴۹	۴/۱۱۹	۱۶۹۵۱۴۹	۸۹	۱۷۳۸۷۷۵۵/۱۰	۰/۰۰۱**	*
	کوهپایه‌ای	۴۲	۴/۳۰۹	۱۶۲۰۶۳۹	۷۴/۱۸۶	۱۰۴۰۴۷۶۱/۹۰		
باغداری	جلگه‌ای	۱۶	-۱/۷۴۱	۲۹۴۳۲۱۳	۳۴	۶۱۲۵۰۰۰/۰۰۰	۰/۰۴۳*	*
	کوهپایه‌ای	۲۰	-۱/۹۱۳	۲۶۷۹۲۶۴	۲۳/۵۰۰	۱۱۲۵۰۰۰۰		
دامداری	جلگه‌ای	۱۳	-۱/۱۲۵	۴۷۸۵۱۸	۲۸	۱۲۴۶۱۵۲۸/۴۶	۰/۰۳۳*	*
	کوهپایه‌ای	۱۷	-۱/۱۶۱	۴۶۳۹۸۳	۲۷/۹۲۹	۱۳۰۰۰۰۰۰		

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸. \*معناداری در سطح ۹۵ درصد \*\* معناداری در سطح ۹۹ درصد

آن تفاوت خاصی ندارد. در زمینه تولید سبزی نیز به خاطر کوچکی اراضی زراعی برای تولید این محصول می‌توان از هر دو ناحیه بهره برد لذا درآمد حاصل از آن در هر دو ناحیه تقریباً یکسان بوده است بنابراین تفاوت معنادار نشده است. نهایتاً می‌توان بیان نمود بر اساس آزمون T مستقل در بررسی و مقایسه درآمد حاصل از تولید برنج بین ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تفاوت معناداری تا سطح ۹۵ درصد وجود دارد و نشانگر درآمد حاصل از برنج در ناحیه جلگه‌ای بیشتر از ناحیه کوهپایه‌ای است. در بخش درآمد حاصل از تولید مرکبات و سبزیجات تفاوت معناداری علی‌رغم درآمد بیشتر ناحیه کوهپایه‌ای وجود ندارد.

نتایج جدول ۶ بیانگر مقایسه درآمد انواع محصولات زراعی و باغی در بین دو ناحیه کوهپایه‌ای و جلگه‌ای است که در زمینه درآمد برنج اولین متغیر نیاز به اراضی مسطح برای تولید شالی است لذا از اراضی جلگه‌ای به سبب سهولت بهره‌برداری، شاهد افزایش سطح زیرکشت می‌باشیم و این افزایش سطح زیرکشت باعث افزایش درآمد در ناحیه کوهپایه‌ای گردیده است که این شرایط در نواحی کوهپایه‌ای به علت محدودیت ناشی از شیب زیاد قطعا در درآمد حاصل از این فعالیت تأثیرگذار بوده است. بنابراین تفاوت در سطح اطمینان ۹۵ درصد را ایجاد نموده است. در زمینه مرکبات این تفاوت معنادار نیست زیرا محدودیتی برای بهره‌برداری از اراضی باغی در دو ناحیه وجود ندارد و باغ مرکبات در هر دو ناحیه قابلیت بهره‌برداری را داشته و لذا درآمد حاصل از

جدول ۶. بررسی و مقایسه درآمد انواع محصولات زراعی و باغی در روستاهای نمونه با استفاده از آزمون T مستقل

مقدار درآمد	ناحیه	N	مقدار T	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین	معناداری	تایید رد
برنج	جلگه‌ای	۴۴	۲/۶۸۴	۱۵۷۱۳۴۲	۸۱	۱۴۷۰۴۵۴۵/۴۵	* /۰۱۶	*
	کوهپایه‌ای	۳۹	۲/۷۶۳	۱۵۲۶۲۰۹	۷۱/۲۹۱	۱۰۴۸۷۱۷۹/۴۹		
مرکبات	جلگه‌ای	۱۶	-۰/۹۶۴	۳۴۴۰۳۸۵	۳۳	۸۰۰۰۰۰۰	* /۰۴۳۶ ns	*
	کوهپایه‌ای	۱۹	-۰/۹۹۴	۳۳۳۴۴۳۸	۳۱/۸۸۵	۱۱۳۱۵۷۸۹/۴۷		
سبزی	جلگه‌ای	۱۵	۲/۰۶۷	۱۹۸۳۰۹۵	۱۵	۹۶۰۰۰۰۰	* /۰۲۷۷ ns	*
	کوهپایه‌ای	۲	۴/۷۵۵	۸۶۲۱۶۸	۶/۹۱۷	۵۵۰۰۰۰۰		

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸. ns: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۹۵ درصد

و چون ناحیه کوهپایه‌ای دارای اراضی ناهموار می‌باشد بنابراین سطح تولید بسیار کمتر از اراضی جلگه‌ای است. اما در زمینه تولید محصول مرکبات که می‌توان از اراضی ناهموار و شیب‌دار نیز نهایت بهره را داشت بنابراین میزان تولید تفاوتی را نشان نمی‌دهد و در تولید سبزیجات نیز چون به اراضی کوچک‌تر نیاز است لذا میزان تولید در هر دو ناحیه یکسان بوده است لذا تفاوت در دو ناحیه معنادار نشده است.

بر اساس نتایج جدول ۷ از بررسی و مقایسه میزان تولید محصولات زراعی و باغی در میزان تولید برنج بین دو ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تفاوت معنادار تا سطح ۹۹ درصد دیده می‌شود و در میزان تولید مرکبات و سبزی تفاوت معنادار بین ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای مشاهده نمی‌گردد. تفاوت در میزان تولید در ناحیه جلگه در محصول برنج که نیاز به اراضی کاملاً مسطح دارد نشان‌دهنده میزان اختلاف در تولید برنج بوده است

جدول ۷. بررسی و مقایسه میزان تولید با استفاده از آزمون T مستقل

مقدار هزینه	ناحیه	N	مقدار T	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین	معناداری	تایید رد
برنج	جلگه‌ای	۴۴	۳/۰۵۷	۱۴۰/۵۱۴۹۸	۸۱	۱۳۷۵/۰۰۰۰	* /۰۰۰۴*	*
	کوهپایه‌ای	۳۹	۳/۱۳۷	۱۳۶/۹۴۷۴۸	۷۳/۹۰۸	۹۴۵/۳۸۵۶		
مرکبات	جلگه‌ای	۱۶	-۰/۴۶۶	۵۳۰۶۸	۳۳	۵۷۳۱/۲۵۰۰	* /۰۷۲۵ ns	*
	کوهپایه‌ای	۱۹	-۰/۴۵۷	۱۹۲۳/۱۵۳۳۱	۲۸/۷۵۰	۶۶۱۰/۵۲۶۳		
سبزی	جلگه‌ای	۱۵	۰/۳۵۵	۳۷۵۳۸۱/۳۶۱۰	۱۵	۱۳۴۱۶۶/۶۶۶۷	* /۰۴۵۷ ns	*
	کوهپایه‌ای	۲	۱/۰۰۱	۱۳۳۲۷۴/۰۵۴۵	۱۴/۰۰۰	۷۵۰/۰۰۰۰		

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸. ns: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۹۵/۰ \*\* معناداری در سطح ۹۹/۰

گردیده است اما در نوای جلگه‌ای محدودیت‌ها از جمله محدودیت اراضی و زودرس بودن سرما قطعا در سطح زیرکشت محصولات تأثیرگذار بوده است و تنها در تولید سبزیجات این محدودیت‌ها بسیار اندک است زیرا برای کشت سبزیجات می‌توان از کشت گلخانه‌ای نهایت بهره‌برداری را داشت لذا در زمینه سطح زیرکشت سبزیجات تفاوت معنادار نمی‌باشد.

جدول ۸ نشان می‌دهد مقایسه سطح زیر کشت برنج و مرکبات بین ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تفاوت معناداری تا سطح ۹۵ درصد وجود دارد. اما سطح زیرکشت سبزیجات تفاوت معناداری در سطح زیر کشت بین دو ناحیه دیده نمی‌شود. می‌توان بیان نمود که به علت گستردگی اراضی در نواحی جلگه‌ای و عدم محدودیت خاص باعث افزایش سطح زیرکشت

جدول ۸. بررسی و مقایسه سطح زیر کشت با استفاده از آزمون T مستقل

سطح زیر کشت	ناحیه	N	مقدار T	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین	سطح معناداری	تایید رد
برنج	جلگه‌ای	۴۴	۳/۱۱۰	۶۵۰/۲۵۰۹۲	۸۱	۶۳۳۷/۲۷۲۷		
	کوهپایه‌ای	۳۹	۳/۱۹۴	۶۳۳/۱۸۰۶۸	۷۳/۲۵۹	۴۲۰۵۱۲۸۲/		* ۰/۰۱۷°
مرکبات	جلگه‌ای	۱۶	۱/۰۹۱	۱۱۴۳۶۰۸/۱۵۵	۳۳	۱۲۵۳۴/۰۶۲۵۰		
	کوهپایه‌ای	۱۹	۰/۹۹۸	۱۲۴۹۷۷۳/۴۵۶	۱۵/۰۰۰	۵۸۹۴/۷۳۶۸		* ۰/۰۲۶°
سبزی	جلگه‌ای	۱۵	۱/۰۱۹	۳۰/۸۸۲۸۵	۱۵	۱۰۶۶/۶۶۶۷		
	کوهپایه‌ای	۲	۱/۱۶۳	۲۷۲/۱۸۹۸۳	۱/۴۰۲	۷۵۰/۰۰۰۰		* ۰/۸۱۸ ns

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸ ns: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۰/۹۵

اراضی زراعی نیز در گرایش به پرورش گاو کاملاً نمود دارد بنابراین تفاوت در دو ناحیه کاملاً معنادار می‌باشد. اما در قسمت طيور تفاوت معناداری بین ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای دیده نمی‌شود و به راحتی در هر دو ناحیه می‌توان به پرورش طيور اقدام نمود و درآمد تفاوت خاصی برای دو ناحیه در زمینه درآمد طيور متصور نیست.

جدول ۹ نشان می‌دهد بر اساس آزمون T مستقل در بررسی و مقایسه درآمد حاصل از انواع دام در ناحیه کوهپایه‌ای درآمد بیشتر از ناحیه جلگه‌ای می‌باشد و تا سطح ۹۵ درصد تفاوت معنادار وجود دارد. در زمینه درآمد حاصل از گاو که نشان‌دهنده درآمد بیشتر در ناحیه کوهپایه‌ای می‌باشد دلیل آن در وجود مراتع بیشتر در نواحی کوهپایه‌ای می‌باشد. از طرفی محدودیت

جدول ۹. بررسی و مقایسه درآمدهای انواع دام با استفاده از آزمون T مستقل

نوع دام	ناحیه	N	مقدار T	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین	معناداری	تایید رد
گاو	جلگه‌ای	۱۱	-۰/۹۵۶	۱۷۴۴۲۳	۲۱	۱۲۰۱۰۰۰۰		
	کوهپایه‌ای	۱۲	-۱/۰۰۰	۱۶۶۶۶۷	۱۱/۰۰۰	۱۲۱۶۶۶۶۶		* ۰/۰۴۸*
طيور	جلگه‌ای	۴	-۰/۷۲۱	۷۳۱۶۴	۱۱	۲۲۵۰۰۰		
	کوهپایه‌ای	۹	-۰/۶۳۳	۸۳۳۸۰	۴/۴۸۹	۲۷۷۷۷۷/۷۸		* ۰/۳۳۸ ns

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸ ns: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۰/۹۵

ساکنان بیشتر ترجیح می‌دهند در زمینه زراعت فعال‌تر باشند. بنابراین درآمد در دو ناحیه معنادار شده است. همچنین در راستای سوال سوم تحقیق مبنی بر اینکه بین نوع فعالیت اقتصادی و سهم زنان در اقتصاد خانوارهای روستایی در نواحی کوهپایه‌ای و جلگه‌ای تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج جدول ۱۱ بررسی و مقایسه درآمد حاصل از بخش زراعت و باغداری بین ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تا سطح ۹۵ درصد تفاوت معنادار وجود دارد و نشان می‌دهد که در بخش زراعت، زنان ناحیه جلگه‌ای به علت سطح زیرکشت زیاد اراضی به

با مقایسه و بررسی جدول ۱۰ که با استفاده از آزمون T مستقل انجام شده است بین درآمد حاصل از فروش شیر و فروش دام در ناحیه جلگه‌ای و ناحیه کوهپایه‌ای تا سطح ۹۵ درصد تفاوت معنادار می‌باشد. دلیل چنین امری را باید در دسترسی راحت و بدون هزینه برای ساکنان نواحی کوهپایه‌ای دانست که در طول سال می‌توانند از این مزیت بهره کامل را ببرند در حالیکه در نواحی جلگه‌ای محدودیت مراتع و عدم دسترسی به آن باعث شده است که صاحبان احشام هزینه نسبتاً زیادی را برای تغلیف و تهیه علوفه بپردازند و در این نواحی

خصوص برای تولید شالی از درآمد بیشتری برخوردارند اما در بخش باغداری زنان ناحیه کوهپایه‌ای درآمد بیشتری کسب کرده‌اند چون بیشتر باغات در ناحیه کوهپایه‌ای به علت مساعدت

جدول ۱۰. بررسی و مقایسه درآمد از دام و محصولات دامی با استفاده از آزمون T مستقل

نوع دام	ناحیه	N	مقدار T	انحراف استاندارد	درجه آزادی	میانگین	سطح معناداری	تایید رد
فروش شیر	جلگه‌ای	۱۳	۰/۸۲	۹۵۴۶۴۹	۲۸	۶۰۷۶۹۲۳/۰۷۷	* ۰/۰۴۱*	*
	کوهپایه‌ای	۱۷	۰/۹۰۹	۹۲۶۰۹۹	۲۷/۹۱۸	۵۳۳۵۲۹۴/۱۱۸		
فروش دام	جلگه‌ای	۱۳	-۰/۹۷۲	۱۴۲۰۳۷۵	۲۸	۶۳۸۴۶۱۵/۳۸۵	* ۰/۰۴۸*	*
	کوهپایه‌ای	۱۷	-۱/۰۰۰	۱۳۸۰۰۹۱	۲۷/۸۷۸	۷۷۶۴۷۰۵/۸۸۲		

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸. \* معناداری در سطح ۹۵ درصد

جدول ۱۱. بررسی و مقایسه درآمد کشاورزی زنان روستاهای نمونه با استفاده از آزمون T مستقل

مقدار درآمد	ناحیه	N	مقدار T	درجه آزادی	میانگین	سطح معناداری	تایید رد
زراعت	جلگه‌ای	۳۴	۴/۹۳۰	۶۴	۱۸۲۶۴۷۰۵	* ۰/۰۳۷*	*
	کوهپایه‌ای	۳۲	۴/۹۹۷	۵۵/۸۴۲	۱۰۰۰۰۰۰۰		
باغداری	جلگه‌ای	۷	-۱/۳۲۰	۱۰	۴۵۷۱۴۲۸/۵۷۱	* ۰/۰۲۶*	*
	کوهپایه‌ای	۵	-۱/۰۹۷	۴/۰۵۶	۱۰۲۰۰۰۰۰		

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸. \* معناداری در سطح ۹۵ درصد

درآمدشان در ناحیه جلگه‌ای ۱۴۰۰۰۰۰۰۰ تومان و در ناحیه کوهپایه‌ای ۱۳۰۰۰۰۰۰۰ است لذا در ناحیه جلگه‌ای میزان درآمد بیشتر است زیرا تنوع فعالیت برای کارگران در جلگه به مراتب بسیار بیشتر از ناحیه کوهپایه‌ای است. افرادی که مغازه‌دار هستند در ناحیه جلگه‌ای ۱۲۰۰۰۰۰۰۰ و در ناحیه کوهپایه‌ای ۱۴۰۰۰۰۰۰۰ تومان می‌باشد که این میانگین در ناحیه کوهپایه‌ای بیشتر می‌باشد. دلیل آن را در تعداد محدود مغازه‌داران در ناحیه کوهپایه دانست اما در نواحی جلگه‌ای تعداد مغازه‌داران بسیار فراوان می‌باشد.

با توجه به نتایجی که با استفاده از آزمون T مستقل به دست آمده بین درآمد زنان کارمند در ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تفاوت معناداری وجود ندارد چون زنان کارمند در هر دو ناحیه از شغل دومی برخوردار نیستند و بعد از انجام فعالیت کارمندی به امور منزل می‌پردازند. ولی بین درآمد زنان کارگر ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تفاوت معناداری تا سطح ۹۵ درصد وجود دارد. زنان

در زمینه خیاطی میانگین درآمد در منطقه جلگه‌ای ۸۰۰۰۰۰۰۰ تومان و در ناحیه کوهپایه‌ای فعالیت در این زمینه وجود ندارد که به عدم آموزش در ناحیه کوهپایه‌ای می‌باشد. از طرفی اکثر فعالیت‌های خیاطی در نواحی جلگه‌ای مستقر هستند چون بیشتر جمعیت در این نواحی بسر می‌برند. در زمینه آرایشگری در ناحیه جلگه‌ای میانگین درآمد ۹۰۰۰۰۰۰۰ تومان و در ناحیه کوهپایه‌ای ۱۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان که درآمد در این زمینه در ناحیه کوهپایه‌ای بیشتر است زیرا به علت بعد مسافت زنان ترجیح می‌دهند از این نوع فعالیت در سطح ناحیه کوهپایه‌ای بیشتر بهره ببرند. میانگین درآمد افراد کارمند در ناحیه جلگه‌ای ۱۶۶۶۶۶۶۶ تومان و در ناحیه کوهپایه‌ای ۱۵۰۲۰۰۰۰۰۰ تومان که به علت نزدیک بودن ناحیه جلگه‌ای به شهر تعداد کارمندان بیشتر و در نتیجه میانگین درآمد بیشتر می‌باشد و کارمندان می‌توانند به اشتغال دوم نیز بپردازند اما برای کارمندان نواحی کوهپایه اشتغال دوم بسیار محدودتر است. افراد کارگر میانگین

نواحی جلگه‌ای از فعالیت‌های متنوع‌تری نسبت به زنان کارگر کوهپایه برخوردار هستند و می‌توانند بسیاری از فعالیت‌های خدماتی را بر عهده گیرند. نتایج به دست آمده از آزمون‌های تحقیق حاکی از آن است که بین نوع فعالیت اقتصادی و سهم زنان در اقتصاد خانوارهای روستایی در روستاهای نواحی کوهپایه‌ای و جلگه‌ای تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱۲. میانگین درآمد سالیانه از فعالیت خدماتی در روستاهای جلگه‌ای و کوهپایه‌ای

فعالیت خدماتی	ناحیه	میانگین درآمد	فعالیت خدماتی	ناحیه	میانگین درآمد
خیاطی	جلگه‌ای	۸۰۰۰۰۰۰	کارگر	جلگه‌ای	۱۴۰۰۰۰۰۰
	کوهپایه‌ای	۰		کوهپایه‌ای	۱۳۰۰۰۰۰۰
آرایشگری	جلگه‌ای	۹۰۰۰۰۰۰	مفازهدار	جلگه‌ای	۱۲۰۰۰۰۰۰
	کوهپایه‌ای	۱۰۰۰۰۰۰۰		کوهپایه‌ای	۱۴۵۰۰۰۰۰۰
کارمند	جلگه‌ای	۱۶۶۶۶۶۶۶			
	کوهپایه‌ای	۱۵۲۰۰۰۰۰۰			

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸.

جدول ۱۳. میزان درآمد سالیانه از فعالیت در بخش خدمات با استفاده از آزمون T مستقل

فعالیت خدماتی	ناحیه	N	مقدار T	درجه آزادی	میانگین	سطح معناداری
کارمند	جلگه‌ای	۳	۱/۰۶۲	۶	۱۶۶۶۶۶۶۶	۰/۴۶ ns
	کوهپایه‌ای	۵	۰/۸۴۴	۲/۳۵۲	۱۵۲۰۰۰۰۰	
کارگر	جلگه‌ای	۳	۰/۷۷۵	۳	۱۴۰۰۰۰۰۰	۰۰۵*
	کوهپایه‌ای	۲	۱/۰۰۰	۲۰۰۰	۱۳۰۰۰۰۰۰	

ماخذ: مطالعات میدانی، ۱۳۹۸. ns: عدم معناداری \* معناداری در سطح ۹۵ درصد

## نتیجه‌گیری

بر اساس سوال اول مبنی بر اینکه بین شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی از قبیل سطح تحصیلات، انگیزه ماندگاری و غیره با نوع و میزان فعالیت‌های اقتصادی نواحی روستایی در روستاهای کوهپایه‌ای و جلگه‌ای رابطه معناداری وجود دارد. به این منظور با استفاده از آزمون‌های مان‌وایتنی و T رابطه میان متغیرهای تشکیل دهنده (نوع فعالیت زنان در بخش کشاورزی، نوع فعالیت زنان در بخش خدمات، میزان فعالیت زنان در بخش کشاورزی، میزان فعالیت زنان در بخش خدمات، میزان رضایت شغلی، میزان امنیت شغلی، میزان تحصیلات، میزان انگیزه ماندگاری در روستا، میزان مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا، مشکلات اساسی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی) مورد آزمون قرار گرفت و مشخص شد در زمینه مشاغل خدماتی میزان فعالیت زنان

آرایشگر ناحیه جلگه‌ای به دلیل انگیزه‌های اقتصادی و نیاز به داشتن شغل برای گذران معیشت بیشتر از زنان ناحیه کوهپایه‌ای است و تفاوت معناداری بین دو ناحیه وجود دارد. در رابطه با میزان فعالیت در زمینه باغداری و زراعت تفاوت معناداری بین دو ناحیه دیده نشده است. در زمینه میزان تحصیلات، رضایت و امنیت شغلی تفاوت معناداری بین ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای وجود ندارد و انگیزه ماندگاری در ناحیه کوهپایه بیشتر از ناحیه جلگه‌ای است. در زمینه مشکلات زنان در زمینه فصلی بودن و لطمات ناگهانی تفاوت معنادار است زیرا لطمات ناگهانی در حالت حوادث غیرمترقبه به صورت سیل و غیره در نواحی کوهپایه‌ای بسیار بیشتر از نواحی جلگه‌ای بوده و معیشت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. در زمینه فوت همسر، ساعات زیاد کار، مشکلات خانوادگی و ضعف جسمانی تفاوت معناداری دیده نشده

بیشتر از ناحیه جلگه‌ای است دلیل آن را باید در فراوانی مراتع و دسترسی بدون هزینه و رایگان برای نواحی کوهپایه‌ای دانست. در زمینه درآمد حاصل از طیور تفاوت معناداری وجود ندارد. درآمد حاصل از فروش شیر در ناحیه کوهپایه بیشتر از ناحیه جلگه‌ای است. در زمینه فروش دام ناحیه کوهپایه‌ای درآمد بیشتری نسبت به ناحیه جلگه‌ای دارد و تفاوت معناداری بین دو منطقه وجود دارد. بر همین اساس سوال دوم، مبنی بر اینکه بین نوع فعالیت اقتصادی حاصل از کشاورزی و معیشت پایدار روستایی در روستاهای نواحی کوهپایه‌ای و جلگه‌ای تفاوت معناداری وجود دارد تأیید می‌گردد.

سوال سوم تحقیق مبتنی بر اینکه بین نوع فعالیت اقتصادی و سهم زنان در اقتصاد خانوارهای روستایی در روستاهای نواحی کوهستانی و جلگه‌ای تفاوت معنی داری وجود دارد متغیرهای آن نیز (میزان درآمد سالانه زنان حاصل از بخش زراعت، میزان درآمد سالانه زنان حاصل از بخش باغداری، میزان درآمد سالانه زنان در زمینه خدمات) مورد آزمون قرار گرفت که نشان می‌دهد درآمد زنان از زراعت در ناحیه جلگه‌ای بیشتر و در زمینه باغداری ناحیه کوهپایه درآمد بیشتری دارند و در هر دو زمینه بین دو ناحیه تفاوت معنادار تا سطح ۹۵ درصد وجود دارد و میانگین درآمد حاصل از خدمات شامل خیاطی، کارمند و کارگر در ناحیه جلگه‌ای بیشتر از ناحیه کوهپایه‌ای است و میانگین درآمد زنان آرایشگر و مغازه‌دار در ناحیه کوهپایه‌ای بیشتر از جلگه‌ای است. در زمینه درآمد زنان کارمند در دو ناحیه تفاوت معناداری دیده نشده است ولی درآمد زنان کارگر بین ناحیه جلگه‌ای و کوهپایه‌ای تفاوت معنادار تا سطح ۹۵ درصد دارد. زنان و مردان هر دو در توسعه روستایی نقش درند، اما هر کدام بر اساس نوع فعالیت‌هایی که انجام می‌دهند آگاهی و نیازهای متفاوتی دارند. از آنجا که کلیه فعالیت‌های انسان برای تأمین نیازمندی‌هایش انجام می‌گیرد و مهاجرت روستاییان به شهرها نیز به امید دستیابی به زندگی بهتر و با کیفیت‌تر است، لذا می‌بایست

در رابطه با مشارکت در تصمیم‌گیری‌های روستا که شامل جلسات مربوط به مدرسه در ناحیه کوهپایه‌ای مشارکت بیشتر و شرکت در انتخابات روستا در ناحیه جلگه‌ای مشارکت بیشتری دارد و تفاوت معناداری بین دو ناحیه وجود دارد، در نحوه برگزاری مراسم اعیاد و عزاداری‌ها و ساخت مسجد و حسینیه تفاوت معناداری وجود ندارد. بر همین اساس سوال اول، مبنی بر اینکه بین نوع فعالیت اقتصادی حاصل از کشاورزی در روستاهای نواحی کوهپایه‌ای و جلگه‌ای تفاوت معناداری وجود دارد رد شده است.

بر اساس سوال دوم تحقیق مبنی بر اینکه بین نوع فعالیت اقتصادی حاصل از کشاورزی در روستاهای نواحی کوهپایه‌ای و جلگه‌ای تفاوت معناداری وجود دارد، متغیرهای سوال دوم (میزان درآمد سالانه حاصل از بخش‌های مختلف کشاورزی، سطح زیر کشت، میزان تولید و درآمد سالانه حاصل از محصولات زراعی و باغی، میزان درآمد سالانه حاصل از انواع دام، میزان درآمد سالانه حاصل از فروش دام و محصولات دامی) مورد آزمون قرار گرفت که در بخش درآمد حاصل از زراعت ناحیه جلگه‌ای درآمد بیشتری نسبت به ناحیه کوهپایه‌ای دارد و تفاوت معناداری است در زمینه درآمد از باغداری و دامداری ناحیه کوهپایه‌ای درآمد بیشتری نسبت به ناحیه جلگه‌ای دارند و تفاوت معنادار است. مقدار درآمد حاصل از برنج در ناحیه جلگه‌ای بیشتر از ناحیه کوهپایه‌ای است و دلیل آن را در مساعدت محیط در داشتن اراضی گسترده و مسطح باید جستجو نمود ولی در مقدار درآمد حاصل از مرکبات و سبزی تفاوت معناداری بین دو ناحیه وجود ندارد. میزان تولید برنج در ناحیه جلگه‌ای بیشتر از ناحیه کوهپایه‌ای است ولی در میزان تولید مرکبات و سبزی تفاوت معنادار بین دو ناحیه دیده نمی‌شود. سطح زیر کشت برنج و مرکبات در ناحیه جلگه‌ای بیشتر از ناحیه کوهپایه‌ای است و تفاوت معناداری بین دو ناحیه وجود دارد. در رابطه با درآمد حاصل از دام در زمینه نگهداری گاو درآمد ناحیه کوهپایه‌ای

بر اساس یافته‌های پژوهش اکثر زنان شاغل در بخش کشاورزی در دو ناحیه مورد مطالعه، به خصوص زراعت، باغداری، دامداری و... نیاز به آموزش دارند. از این رو می‌توان دوره‌های آموزشی ویژه زنان روستایی را در فصولی که دارای مشغله کاری کمتری هستند، ارایه کرد. این دوره‌ها باید با توجه به سن، میزان سواد آنها بوده و برنامه‌ها طوری تدوین شوند که حتی‌الامکان به صورت عملی برگزار شود تا فهم مطلب برای زنان راحت‌تر بوده و موجب کارایی بیشتر آنان شود.

با توجه به عدم مشارکت زنان در فعالیتهای دامداری و تأثیر این مشارکت بر میزان دسترسی به منابع مالی، پیشنهاد می‌شود برای بهبود فعالیت زنان روستایی در بخش دامداری، آموزش‌هایی نظیر بهداشت دام و طیور، چگونگی تعلیف دام، عمل آوری فرآورده‌های لبنی و غیره در این زمینه، مدنظر قرار گیرد تا از این طریق کارایی آنان چه در نواحی کوهپایه‌ای و چه در نواحی جلگه‌ای ارتقا یابد.

زنان ناحیه کوهپایه‌ای به علت دور بودن از شهر به نسبت ناحیه جلگه‌ای از امکانات کمتری برخوردارند. لذا باید به آنها تسهیلات لازم نظیر کلاس‌های آموزشی نظیر (خیاطی، آرایشگری، تزریقات و غیره) اعطا شود تا از این طریق توانایی‌ها و استعدادهای آنان شکوفا شده تا از جهت پیشرفت و تعالی کشور استفاده شود.

ایجاد و تقویت تشکل زنان روستایی (به ویژه در قالب تعاونی‌ها و انجمن‌های زنان)، وجود چنین تشکل‌هایی باعث گسترش مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح جامعه روستایی می‌شود.

توسعه و ترویج فناوری‌های نوین کشاورزی مرتبط با الگوی مشارکت زنان روستایی برای از بین بردن تصور رایج در مورد سنتی بودن کشاورزی و نشان دادن پیوند بین کشاورزی و فناوری برای جلب زنان روستایی تحصیل کرده در زمینه کشاورزی.

دولت‌ها و حکومت‌ها در سیاست‌گذاری‌های خود و برنامه‌ریزی‌ها، توجه خاصی به برنامه‌ریزی منطقه‌ای داشته باشند. این امر میسر نمی‌گردد مگر با شناخت عناصر اقلیمی، جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر منطقه و همچنین نوع ارتباط این عناصر با عناصر خارج از منطقه و بیرونی. چنین مطالعه و شناختی موجبات برنامه‌ریزی هر چه بهتر و منطبق با نیازهای منطقه را فراهم کرده و از هدر رفتن سرمایه‌گذاری‌های انجام شده جلوگیری می‌کند اگر امکانات آموزش، بهداشت، اشتغال، درمان و... در روستا فراهم گردد و ارتقا سطح کیفی زندگی روستایی همانند شهر مورد توجه قرار گیرد مهاجرت تعدیل می‌شود از طرفی حمایت از تولیدات کشاورزی و دامی روستاییان و همچنین صنایع محلی و جذب بازارهای مناسب برای آن از طرف حکومت‌ها می‌تواند در دلبستگی روستاییان به زندگی روستایی مؤثر واقع شود. در نهایت نگاه مثبت برنامه‌ریزان امر توسعه به مشارکت زنان روستایی، کمک شایانی به ارتقا موقعیت یک خانواده بهره‌مند روستایی خواهد رساند و عاملی جهت کاهش شکاف میان خانواده‌های شهری و روستایی خواهد گردید. یافته‌های پژوهش با یافته‌های حاصل از تحقیقات مظفرامینی و احمدی‌شاپورآبادی (۱۳۸۸)، مطیع و سرحدی (۱۳۷۰)، وفایی و ترک‌ارانی (۱۳۹۳)، افراخته (۱۳۹۰) مطابقت دارد.

در این راستا پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

تغییر نگرش مدیران روستایی در راستای مطلوب نمودن محیط روستا جهت کارآفرینی زنان روستایی.

تأمین سرمایه مالی جهت راه‌اندازی کسب و کارهای نوین از طریق وام‌ها و اعتبارات در عرصه‌های روستایی برای زنان.

گسترش بازار و جذب تقاضا با توجه به پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل از طریق بازاریابی اینترنتی.

راه‌اندازی مراکز مشاوره رایگان زنان در نواحی روستایی در جهت ارتقا و تغییرات مطلوب برای زنان روستایی.



کارگاه‌های صنعتی در زمینه‌های مناسب برای زنان زمینه مریی شدن و یا به عبارت دیگر، داخل شدن آن‌ها در اقتصاد فراهم گردد.

با توجه به عدم فعالیت هیچ یک از زنان روستاهای نمونه در بخش صنعت پیشنهاد می‌شود از طریق کارگاه‌های آموزشی و تعاونی برای آموزش صنایع دستی و همچنین احداث کارخانه یا

## منابع

مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی: مطالعه موردی شهرستان سنقر و کلیایی، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۷(۲): ۱۳۳-۱۱۵.

عناستانی، ع. ا. و احمدزاده، س. ۱۳۹۲. بررسی تفاوت‌های بین نسلی به لحاظ وضعیت دینداری در سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: دهستان کارده - شهرستان مشهد، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶(۲): ۱۲۰-۱۰۵.

غنیان، م.، خانی، ف. و قدیری معصوم، م. ۱۳۸۷. نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی، زن در توسعه و سیاست، ۶(۱): ۱۳۵-۱۱۹.

لهسایی‌زاده، ع. ۱۳۷۴. بررسی جامعه شناختی نقش زن در کشاورزی ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۳، ویژه نامه نقش زنان در کشاورزی، صص ۴۵.

مطیع، ن. و سرحدی، ف. ۱۳۷۰. مقایسه فعالیت‌های تولیدی زنان روستایی در سه منطقه متفاوت از یک اقلیم، فصلنامه علوم اجتماعی، ۷(۲): ۱۷۷-۱۶۳.

مظفر امینی، ا. و احمدی‌شاپورآبادی، م. ع. ۱۳۸۸. خوداتکایی اقتصادی زنان روستایی و تبیین عوامل اقتصادی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، ۷(۴): ۲۹-۷.

میرک‌زاده، ع. ا.، علی‌آبادی، و. و شمس، ع. ۱۳۸۹. واکاوی موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی، روستا و توسعه، ۱۳(۲): ۱۶۵-۱۴۷.

نادری مهدبی، ک. و وحدت مودب، ه. ۱۳۹۷. بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر توانمندسازی زنان دارای مشاغل خانگی (مطالعه موردی شهرستان رزن)، زن در توسعه و سیاست، ۱۶(۲): ۱۹۶-۱۷۵.

آصفی‌راد، ز. ۱۳۷۸. بررسی نقش زنان روستایی در پیشگیری از تخریب آلودگی محیط زیست، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی، ۱۹(۲۲۶): ۴۰-۲۵.

افراخته، ح. ۱۳۹۰. جایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی مورد روستاهای کوهپایه‌ای فومنات، روستا و توسعه، ۱۴(۱): ۱۹۳-۱۷۳.

امینی، ا. و احمدی، م. ۱۳۸۶. اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خود اتکایی اقتصادی آن‌ها، مجله مطالعات زنان، ۵(۱): ۹۱-۶۵.

امینی، ع. و طاهری، ع. ح. ۱۳۹۵. تحلیلی بر نقش‌پذیری زنان روستایی در فعالیت‌های اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن: مورد مطالعه مناطق روستایی بخش سیمکان در شهرستان جهرم، علوم ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۲(۲): ۵۱-۳۷.

جمبرز، ر. ۱۳۷۸. توسعه روستایی اولویت بخشی به فقرا، ترجمه مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران.

زارعان، م.، زارعی، م. و هنردوست، ع. ۱۳۹۷. توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر برنامه‌های چهارم، پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران، زن در توسعه و سیاست، ۱۶(۲): ۳۳۸-۳۱۹.

شعبانعلی فمی، ح.، علی‌بیگی، ا. و شریف‌زاده، ا. ۱۳۸۴. رهیافت‌ها و فنون مشارکت در ترویج کشاورزی و توسعه روستایی، تهران، موسسه توسعه روستایی ایران.

صفری‌شال، ر. ۱۳۸۷. عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور مسائل خانوادگی، مجله پژوهش زنان، ۱۶(۱): ۱۵۹-۱۳۷.

علی‌بیگی، ا. ح. و بنی‌عامریان، ل. ۱۳۸۸. عوامل دموگرافیک مؤثر بر

- Jabeen, S.; Haq, S.; Jameel, A.; Hussain, A.; Asif, Mu.; Hwang, J.; Jabeen, A. 2020. "Impacts of Rural Women's Traditional Economic Activities on Household Economy: Changing Economic Contributions through Empowered Women in Rural Pakistan" *Sustainability* 12, no. 7: 2731. <https://doi.org/10.3390/su12072731>
- Lima Vidal, D. 2013. Work division in family farm production units: Feminine responsibilities typology in a semi-arid region of Brazil Original Research Article, *Journal of Arid Environments*, 97: 242-252.
- Mondal, P. 2015. *Essay on Women Empowerment in India*. Young Article Library, 31317 .
- Sathiabama, K. 2010. *Rural Women Empowerment and Entrepreneurship Development*. Research Scholar, Department of Political Science and Development Administration, Gandhigram Rural Institute, Dindigul District eSS Student papers Sathiabama/Women Empowerment April 2010.
- Steffen, E.M. 2014. *Women's Empowerment and Community-Driven Development: Evidence from the Solomon Islands*, Master's Thesis, Department of Economics University of San Francisco.
- Theodosia, A. 2010. Rural women in local agro food production: Between trepreneurial initiatives and family Original Research Article strategies. Case study in Greece. *Journal of Rural studies*, 26(4): 394-403.
- وٹوقی، م. ۱۳۸۴. جامعه شناسی روستایی، تهران: انتشارات کیهان.
- وفایی، ا. و ترکارانی، م. ۱۳۹۳. بررسی تأثیر نوع و میزان فعالیت زنان روستایی بر سطح حقوق اقتصادی - اجتماعی آن‌ها، مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۱(۴): ۱۱۹-۱۴۸. doi: 10.22051/jwsp.2015.1497
- Akhter, J. and Cheng, K. 2020. Sustainable Empowerment Initiatives among Rural Women through Microcredit Borrowings in Bangladesh, *Sustainability* 12, no. 6: 2275. <https://doi.org/10.3390/su12062275>
- Bayeh, E. 2016. the role of empowering women and achieving gender equality to the sustainable development of Ethiopia; *Pacific Science Review B: Humanities and Social Sciences*, 2(1), 37-42.
- Bradshaw, S. 2013. Women's decision-making in rural and urban households in Nicaragua: the influence of income and ideology. *Environment and Urbanization*, 25(1), 81-94 .
- Duflo, E. 2012. Women empowerment and economic development; *Journal of Economic Literature*; 50(4), 1051-1079.
- Hissa, H. R., Alves Filho, N. T., Costa, M., Strauch, G., Bassi, L., & de Assis, R. L. 2019. Sustainable rural development in Rio de Janeiro state: the Rio rural program. In *Strategies and Tools for a Sustainable Rural Rio de Janeiro* (pp. 23-39). Springer, Cham.issa,

---

## A Comparative Study of Women Activity in Areas of Plains and Foothills Case Study: (Hatke and Bishe Sar Villages the County Shirgah and Qaem Shahr)

Fatemeh Asadi paein lamuki<sup>1</sup>, Bahman Sahneh<sup>2\*</sup>, Ali akbar Najafi Kani<sup>3</sup> And Alireza Khajeh Shahkoochi<sup>4</sup>

Submitted: 27 May 2021

Accepted: 10 October 2021

### Abstract

One of the most important criteria for measuring the degree of development of a country is the level of women's activity in the country. Ultimately lead to increasing and improving productivity in agriculture and thus increasing the welfare and comfort of rural society. This study compares the activities of women in the plains and foothills with emphasis on sustainable rural livelihoods in the villages of Hatkeh Savadkuh and Bishehsar in Ghaemshahr. The research method was descriptive and analytical and applied and based on Cochran's formula, 331 researcher-made questionnaires were completed from rural households and analyzed using Friedman, Chi-square, Mann-Whitney and Kruskal-Wallis statistical tests. The results show that in the field of hairdressing jobs, staffing, labor and stay in the village, sudden seasonal losses, school-related meetings and participation in village elections have become quite significant. The difference in income and area under cultivation and rice production is quite significant, but in income and area under cultivation and production of citrus and vegetables is not significant. In the field of livestock activities, there is a significant difference between the income from the sale of milk and livestock. Therefore, raising the level of education and awareness, creating and strengthening rural women's organizations, especially in the form of cooperatives and women's associations, is recommended for better exploitation and promotion of women's status.

**Keywords:** : Rural Women, Sustainable Livelihoods, Plains and Foothills, Hatkeh Savadkuh and Bishehsar Qaemshahr.

---

1 - Master of Geography and Rural Planning, Golestan University

2- Department of Geography, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran

3 -Department of Geography, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran

4- Department of Geography, Faculty of Humanities and Social Sciences, Golestan University, Gorgan, Iran

(\*- Corresponding author Email: b.sahneh@gu.ac.ir)

DOI: 10.22048/rdsj.2021.288139.1949